

بعد اجتماعی مشارکت سیاسی

یکی از مهم ترین مفاهیم اساسی در حوزه سیاست، مشارکت سیاسی شهروندان در دوران معاصر است که دو برداشت متفاوت از آن وجود دارد. این مفهوم در دو حوزه نظری و عملی توجه غالب عالمان علوم اجتماعی، سیاستمداران و مردم را به خود معطوف کرده است.



خبرگزاری مهر- یکی از مهم ترین مفاهیم اساسی در حوزه سیاست، مشارکت سیاسی شهروندان در دوران معاصر است که دو برداشت متفاوت از آن وجود دارد. این مفهوم در دو حوزه نظری و عملی توجه غالب عالمان علوم اجتماعی، سیاستمداران و مردم را به خود معطوف کرده است. با توجه به این که مشارکت مفهوم گسترده‌ای است، این مفهوم را می‌توان از دیدگاه علوم مختلف تعریف کرد.

مشارکت سیاسی، ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی یعنی حکومت داری را معنا می‌کند. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسانها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه پردازان دنیای سیاست شد.

آلن بیرو در تعریف مفهوم مشارکت چنین می‌گوید: مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است.

به همین جهت، از دیدگاه جامعه شناسی، باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد.

از قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد؛ و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد.

اجتماعی شدن و مشارکت سیاسی در نظام سیاسی عصر نوین همراه با مدرنیته، لازم و ملزوم یکدیگر در امر حاکمیت و حکومت در دنیای نوین دانسته شده‌اند.

در بین اندیشه‌های حاکم بر جامعه نوین، مشارکت سیاسی دخالت هر چه بیشتر مردم و گروه‌های اجتماعی در مسائل سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دانسته می‌شود. مشارکت سیاسی در این معنا نوعی اختیار و آزادی عمل فردی است که بوسیله آن نوعی اعمال اراده و قدرت تصمیم گیری جمعی که مشروعیت حکومت را تضمین می‌کند، دیده می‌شود.

کنار گذاشتن خشونت و نارضایتی و عمل کردن فرد بر اساس رفتارها و فراگردهای جمعی که نوعی برابری همگانی را می‌طلبد جدایی از سیاست مربوط به دخالت شرکتها و یا کلیسا در امور سیاسی مشارکت سیاسی نامیده می‌شود. رابطه متقابل و انتظار از یکدیگر حوزه گسترده‌ای برای مشارکت سیاسی فراهم ساخته که عملکرد فرد در سازمانها و نهادهای جامعه را در گستره مشارکت سیاسی قرار می‌دهد.